

جاسوسان باز می‌گردند؟ جنگ سرد دوم آغاز می‌شود؟

روش خروسیچف را در بیس کرفته خروسیچف در پاسخ به یکی از تهدیدهای غرب گفته بود «ما شما را دفن خواهیم کرد». یلتسین نیز خطاب به کلینتون گفته بود: «دوست ما بیل فراموش کرده است که روسیه مجموعه‌ای کامل از سلاح‌های هسته‌ای را در اختیار دارد». «جیانگ زمین» رهبر کمونیست چین در ملاقاتش با یلتسین در یکن رهبر روسه را در آغوش گرفت و به او کسفت از سیاست‌هایش در صحنه در صدمت می‌کند. ایالات متحده در واکنش به این



سرنات، بلافاصله یک روز پس از این اظهارات «ون هولی» دانشمند جینی‌الاصول لابراتوار هسته‌ای «لوس آلاموس» را به ۵۹ فقره دستبرد به اطلاعات فوق محرمانه متهم کرد. گرچه لی به جاسوسی متهم نشد ولی متهم شد که تصمیم داشته است این اطلاعات را در اختیار یک قدرت خارجی قرار دهد.

همه این اقدامات حکایت از بروز فضایی چون فضای جنگ سرد و اقدامات تلافی جویانه‌ای در حد «جشم در مقابل چشم» و «دندان در مقابل دندان» داشت. اما آن چه که سیاستمداران آمریکایی را بیش از پیش نگران می‌کرد طبیعت این درگیری‌های لفظی نبود، بلکه این بود که این درگیری‌ها ادامه خواهد یافت یا در جایی متوقف خواهد شد؟ مشاوران کلینتون سریعاً به تجزیه و تحلیل مسأله پرداختند و در یک اظهارنظر عجولانه گفتند احتمالاً این برخوردها فاقد ریشه است و امواج آن به زودی محو خواهد شد.

قبل از این زست یلتسین، اهمیتی بس برابر موشک‌های هسته‌ای داشت که می‌توانند هزاران کیلومتر دورتر را هدف گیرند. ولی حالا خطری که از خارج آمریکا را تهدید می‌کرد جدی‌تر شده بود. این خطر دیگر از سوی عراق یا کره شمالی که آمریکا مهار آنها را در محدوده قدرت خود می‌دانست نبود، بلکه خشمی بود که بر چهره یلتسین ظاهر شد و کنار آمدن او با چین به عنوان قدرتی جهانی که روابطش همواره با آمریکا پرتنش بوده است، این خشم را نمایان می‌کرد.

امروز یلتسین از صحنه سیاست روسیه کنار رفته است ولی ایستادگی‌اش در مقابل کلینتون پیش از این کناره‌گیری دارای معنایی است که شاید در آینده جزو خمیره سیاست خارجی روسیه شود. یلتسین در پاسخ به کلینتون که گفته بود روسیه برای عملیات خود در چین بهایی گزاف خواهد پرداخت (که شاید یک بی‌احتیاطی و لغزش زبان بود) به شدت به خشم آمد و

ماه‌ها بود که «استانیلا بوریسویچ گوسف» یک دیپلمات روس در واشنگتن، همه روزه اتومبیل خود را برای یافتن یک پارکینگ مناسب به این سو و آن سو می‌راند. او این کار را آنقدر ادامه داد تا سرانجام کنجکاوای مأموران ضداطلاعات پلیس فدرال آمریکا جلب شد. آنها متوجه شدند «گوسف» اتومبیل خود را در محوطه پارکینگ وزارت امور خارجه آمریکا در نقاطی متفاوت پارک می‌کند. در واقع گوسف با این عمل خود در صدد بود که علایم ارسالی از یک ابزار جاسوسی بسیار پیچیده را که چندی پیش در طبقه هفتم ساختمان وزارت خارجه آمریکا که دفتر مارلین آلبرایت وزیر خارجه در آن قرار داشت نصب شده، بود بهتر و واضح‌تر دریافت کند و به همین دلیل به دنبال بهترین نقطه در پارکینگ وزارت خارجه می‌گشت. «گوسف» به عنوان یک جاسوس روس شناسایی شد. پلیس فدرال آمریکا او را که موفق شده بود از محرمانه‌ترین اسرار سیاسی و نظامی آمریکا اطلاعاتی به دست آورد، دستگیر کرد و روز ۱۹ دسامبر گذشته پس از اخراج از آمریکا به مسکو فرستاد.

کشورها، چه دوست و چه دشمن، همواره بر اعمال یکدیگر جاسوسی کرده‌اند و باز هم این کار را خواهند کرد. اما در روسیه جدید که کمونیسم در سال ۱۹۹۶ برای همیشه به دست بوریس یلتسین آن به خاک سپرده شد، قضیه کاملاً طبیعی متفاوت دارد. ماجرای جاسوسی اخیر روس‌ها در واشنگتن می‌توانست به عنوان یک اقدام معمولی و قابل اغماض ارزیابی شود ولی ماجرا به این سادگی نبود؛ چراکه آمریکایی‌ها متوجه شدند عملیات جاسوسی روس‌ها در ایالات متحده به سطح سال‌های جنگ سرد رسیده است. تحرکات بعدی بوریس یلتسین رئیس‌جمهوری مستعفی روسیه به این طرز تفکر دامن زده او به جای یک عذرخواهی متعارف، از انظار عمومی پنهان شد و چندی بعد به پکن رفت و به اتفاق رهبران چین در زستی نیمه دیپلماتیک این پیام ضمنی را به بیل کلینتون رئیس‌جمهوری آمریکا رساند: شما تنها کسی نیستید که در سیاره ما دگمه فشار برای شلیک سلاح اتمی را در جیب خود دارید.

در ایالات متحده و در سال جدید مسیحی مشکلات داخلی نظیر حمل سلاح در مدارس تا

چنانچه ثابت شود «لی» درصدد بوده برای چین جاسوسی کند بدیهی است روابط آمریکا و چین لطمه خواهد دید. این روابط اخیراً و پس از آنکه سفارت چین در یوکوسلاوی به وسیله بمب افکن‌های ناتو بمباران شد به تیرگی گرایید ولی با حمایت‌های آمریکا از عضویت چین در سازمان تجارت جهانی تا حدودی ترمیم شد.

اما روسیه. روس‌ها امروز ملتی هستند که در مسیری از یأس و نومیدی گام برمی‌دارند. روسیه «قدرت بزرگی» است که سلاح‌های هسته‌ای آن به سرعت فرسوده می‌شود. یک مقام رسمی در دولت کلینتون می‌گوید: «اوج قدرت اتمی روس‌ها زمانی بود که بحران برلین شدت گرفت. که با وضعیت کنونی روسیه به کلی غیر قابل مقایسه است.» شاید این نظریه تا حدودی درست باشد ولی اطمینانی به آن نیست. دوران بوریس یلتسین، آن‌طور که جنگ چین نشان داد چه او بر سر قدرت باشد و چه نباشد، به پایان خود نرسیده است. یلتسین نشان داد که اعمال همزمان سرمایه‌داری و دمکراسی در روسیه امکان‌پذیر است. خصوصی‌سازی اقتصاد روسیه روبه رشد است. حتی کلینتون برحسب عادت از روسیه به عنوان «شریک تجاری» یاد می‌کند، با این حال از همین شریک تجاری به عنوان شریکی که ممکن است هر لحظه تبدیل به یک دشمن شود غافل نیست و برحسب تدبیر برای پیش‌گیری از تحقق چنین وضعی پیمان آن‌تلانتیک شمالی، بزرگ‌ترین سازمان نظامی غرب را تا مرزهای روسیه گسترش داده است. روس‌ها به این گسترش با دیده بی‌اعتمادی می‌نگرند و می‌گویند آمریکا ادعای دوستی با روسیه را می‌کند ولی رفتار آن چون یک دشمن است. در زمینه اقتصادشان نیز با ظاهر شدن سقوط اقتصادی بر اثر اشتباهات بی در پی رهبران و فساد حاکم بر جامعه می‌گویند اصول اقتصاد بازار آزاد به عنوان تحفه‌ای از غرب هیچ بهبودی در وضع زندگی آنها به وجود نیاورده و اوضاع اقتصادی آنها با دوران سلطه اتحاد شوروی تغییری نکرده است. در آن زمان همه مزایای رفاهی برای کرملین‌نشینان و اطرافیان‌شان بود که امروز نیز چنین است. کرملین‌نشینان همچنان ثروتمندند و توده‌های مردم فقیر و محروم از اولیه‌ترین نیازهای زندگی.

مسکو در حال حاضر مانند ایالات متحده در میانه یک دوره سیاسی قرار دارد و تا چندماه آینده باید سرنوشت ریاست جمهوری و جانشین قطعی پریزدنت یلتسین مشخص شود. با توجه به روابط سال‌های اخیر روسیه و آمریکا،

هیچ تعجبی ندارد که مسکو نسبت به گله‌گذاری‌های آمریکا در مورد سیاست و روسیه و چین گواهی ناستنوا داشته باشد. در آغاز جنگ چین به نظر می‌رسید با توجه به شکست روسیه در جنگ گذشته چین مخالفان یلتسین موفق خواهند شد کاندیدای خود را به ریاست جمهوری روسیه برسانند و از جمله استدلال‌هایی که می‌کردند این بود که یلتسین و محافل نزدیک به او در کرملین در منجلاب فساد فرو رفته‌اند و بیش از این صلاحیت حکومت کردن بر روسیه را ندارند. ولی اوضاع بر وفق مراد آنها پیش نرفت. اکثریت مردم روسیه از انتخاب ولادیمیر پوتین به نخست‌وزیری روسیه حمایت کردند و بر طرح‌های او در جنگ با چین صحه گذاشتند و پوتین با تکیه بر این حمایت جنگ چین را شدت بخشید و به پیروزی‌های نظامی نیز دست یافت.

در ایالات متحده، چگونگی برخورد با روسیه در زمینه رفتارش با مسأله چین دلمشغولی اصلی رهبران واشنگتن را تشکیل می‌دهد. «جرج بوش پسر» فرزند جرج بوش

رییس‌جمهور سابق آمریکا نامزد جمهوریخواهان در انتخابات ریاست جمهوری آینده گفته است چنانچه روس‌ها به «نوحش» در چین پایان ندهند باید همه کمک‌ها به روسیه قطع شود که به عقیده بسیاری از سیاستمداران طراز اول آمریکا کاری است نه چندان آسان. این سیاستمداران می‌گویند قطع کمک‌ها به روسیه بر مشکلات روابط دو کشور که هم‌اکنون در بسیاری از زمینه‌ها به ویژه در زمینه کنترل تسلیحات دیده می‌شود خواهد افزود.

با استعفا یلتسین از ریاست جمهوری روسیه و سپردن اختیاراتش به پوتین هر دو طرف روشی محتاطانه پیش گرفته‌اند و از حملات مستقیم به یکدیگر خودداری می‌کنند. پوتین

گفته است روسیه آرزوی منزوی شدن را ندارد و مقامات رسمی نزدیک به کلینتون نیز به طور خصوصی گفته‌اند با پرداخت بخشی دیگر از وام صندوق بین‌المللی پول به روسیه مخالفتی ندارند. اما آنچه که امروز برای ایالات متحده و شاید بخش‌های دیگری از جهان اهمیت دارد این است که عارضه‌ها چنان بر عوارض بیماری‌های عمیقی که روسیه به آن‌ها مبتلا است افزوده شود. نباید فراموش کرد که تا همین چندین پیمش روسیه بر یکی از بزرگ‌ترین امپراتوری‌های تاریخ حکم می‌راند و به آن می‌بالید. حالا نیز قبل از هر اقدامی باید در انتظار انتخاب دو رییس‌جمهوری در آمریکا و روسیه بود که امید ناظران بر آن است که آن دو بار دیگر جهان را به سرایش جنگ سرد سوق ندهند. گرچه احتمال بروز جنگ سردی دیگر کم است ولی یک بی‌تدبیری کوچک می‌تواند بسیار خطرناک به حال صلح و امنیت جهانی باشد.

منبع مجله نیوزویک، ۲۰ دسامبر ۱۹۹۹
برگردان از بخش ترجمه «گزارش»



ایران الکترونیک

IRAN ELECTRONIC

وارد کننده و توزیع کننده قطعات الکترونیک

نیمه‌هادی، رله، فیبر روکش مدار

بلندگو، هسته فریت، قلع

قطعات اختصاصی طبق سفارش مشتری

بازرگانی امیری

تهران، خیابان مطهری، بعد از خیابان مفتح، خیابان مهرداد، شماره ۱۰

تلفن: ۸۸۳۱۹۸۱، ۸۸۳۹۵۱۳

فاکس: ۸۲۷۶۳۳، ۸۸۳۱۹۸۱